کورش تهامی، بازیگر علی عطشانی

کـورش تهامی بـه جمع بازیگـران فیلـم سـینمایی «سـلفی بـا دموکراسـی» بـه کارگردانی و تهیه‌کنندگی علی عطشانی پیوست.

آن‌طور کـه ایسـنا گـزارش داده، در حالی کـه ده روز از آغـاز فیلمبـرداری «سـفی بـا دموکراسـی» سـپری شـده اسـت، کورش تهامـی بـرای ایفـای نقش سرسـجود به مجموعه بازیگران این فیلم اضافه شد.

تاکنـون پـولاد کیمیایـی، پژمـان بازغـی، آتیـلا پسـیانی، امیرعبـاس گلاب و سـیما تیرانـداز از جملـه بازیگرانـی هسـتند کـه قـرار اسـت در فیلـم سـینمایی سـلفی با دموکراسی ایفای نقش کنند.

سلفی با دموکراسـی، فیلمی درباره جانبازان و شهدای هشـت سال دفاع مقدس است و داستان آن تقریبا در ادامه داستان فیلم «دموکراسی تو روز روشن» اتفاق می‌افتد. فیلمبـرداری دهمین فیلم علی عطشـانی کـه با حجم زیـادی از جلوه‌های ویژه ساخته می‌شود، صبح چهارشنبه ۱۰ مهر آغاز شده است.

اکران فیلم‌های تازه، پاییز سرد سینما را گرم کرده است؟

نبض فروش روی «رد خون»

گروه سینما

سه هفته از آمدن پاییز و ماه مهر می‌گـذرد، همان‌طور کـه مدارس، دانشـگاه‌ها، کوچه‌ها و خیابان‌ها حال و هوای دیگری به خـود گرفته‌انـد و خنـکای پاییزی شـوق تـازه‌ای برای قـدم زدن در شـهر بـه دور از آفتاب تنـد تابسـتان را رقـم زده، سـینماها هـم گویی گرم‌تر شده‌اند.

ایـن مکان‌هـای فرهنگـی کـه در تابسـتان امسـال سرمای دشـواری را پشـت سـر گذاشـتند، حـالا به مهر ماهی رسـیده‌اند کـه با اکـران برخی فیلم‌ها، حضـور بیشـتر و بـه نسـبت پرشـورتر مخاطبـان را شـاهد هسـتند. ایـن را نـه مـا کـه آمارهـا و برخی سـینماداران می‌گوینـد و از اکـران چنـد فیلمـی کـه ظاهـرا مخاطبـان در انتظـار نمایش‌شـان بوده‌انـد، اظهـار رضایت می‌کننـد. البتـه نگاهـی بـه فـروش برخی فیلم‌هـا هـم نشـان از آن دارد که فیلم‌هـای تازه توانسـته‌اند حال و هوای دیگری به سـینماها بدهند و تـا حـدی خـواب خرگوشـی تابسـتانی اش را پایـان دهنـد. هر چنـد با گذشـت چنـد هفتـه بـرای قضاوت زود اسـت امـا مـی تـوان بـه فـروش برخی فیلم‌هـا که آغـاز خوبـی در چرخـه اکـران داشـته انـد، بسـیار امیدوار بود.

«ماجـرای نیمـروز ۲: رد خون» سـاخته محمد حسـین مهدویـان، «درخونـگاه» کاری از سـیاوش اسـعدی، «سال دوم دانشـکده من» سـاخته رسـول صدرعاملی، «مـردی بـدون سـایه» از علیرضـا رئیسـیان، «پیلـوت» اثـر ابراهیـم ابراهیمیـان، «شـاه‌کش» سـاخته وحیـد امیرخانـی، «کروکودیـل» اثـر مسـعود تـکاور، «آبـی بـه رنـگ آسـمان» از امیـر رفیعـی «کلـوپ همسـران» سـاخته مهـدی صبـاغ زاده و «شکسـتن همزمـان بیسـت استخوان» اثر جمشـید محمودی فیلم‌هایی هسـتند کـه گیشـه پاییـزه سـینما را رقـم زده‌انـد. ده فیلمـی کـه ظاهـرا برخـی از آنهـا در همیـن گام‌هـای ابتدایی مردم را به سینماها کشانده و فروش خوبی را پشـت سـر گذاشـته‌اند. در ادامـه نگاهـی می‌اندازیم به این‌کـه هر کـدام از ایـن فیلم‌هـا در همیـن گام‌های ابتدایـی اکـران خـود چـه میـزان فروشـی داشـته‌اند و در نهایـت هـم چـه رقـم فروشـی را بـرای سـینماها رقـم زده‌انـد. ذکـر ایـن نکتـه هـم ضـروری اسـت کـه فـروش هفتگـی و کلـی فیلم‌هـای سـینمایی چهارشـنبه هـر هفتـه اعـلام می‌شـوند و آمارهـای موجـود در گـزارش هـم بـر اسـاس همیـن گزارش‌هـا تهیه شده‌اند.

عکس: مجید آزاد / جام جم

در اکران پاییزه امسال ۱۰ فیلم روی پرده نقره‌ای رفتند و تاکنون تنها ۲ فیلم توانستند نام خود را در باشگاه میلیاردی‌ها ثبت کنند کلوپ همسران و رد خون

ماجرای نیمروز ۲: رد خون دو میلیارد و ۳۷۰ میلیون و ۶۸۴ هزار تومان فروخته و طی دو هفته اکران خود حال و هوای سینما را عوض کرده است

مردی بدون سایه

علیرضا رئیسیان

مدت اکران: ۳ هفته

تعداد سینماها: ۸۰

فروش هفتگی: ۲۱۵/۳۳۱/۰۰۰

فروش کل: ۹۷۰/۸۵۹/۰۰۰

این فیلـم اکران خـود را از روزهـای پایانی شـهریور شـروع کـرده و محدودیـت سـنی ۱۲+ دارد. اولیـن بـار در جشـنواره فیلم فجر سال پیش اکران و هفته گذشته بیش از ۲۱۵ میلیون فروش داشته است. در کل هم تاکنون ۹۷۲ میلیون فروش را پشت سر گذاشته است.

شاه‌کش

وحید امیرخانی

مدت اکران: ۳ هفته

تعداد سینماها: ۹۰

فروش هفتگی: ۱۶۲/۷۸۷/۰۰۰

فروش کل: ۷۵۹/۴۸۶/۰۰۰

«شـاه‌کش» هـم همزمـان بـا فیلـم رئیسـیان و بـا همـان محدودیـت سـنی ۱۲+ روی پرده رفته اسـت. حدود ۷۶۰ میلیـون تومـان فـروش داشـته اسـت. البته این فیلم حواشی بسیاری هم داشـت کـه برخی رسـانه‌ها قبل‌تر به آن پرداخته‌اند.

کروکودیل

مسعود تکاور

مدت اکران: ۳ هفته

تعداد سینماها: ۶۵

فروش هفتگی: ۴۸/۸۸۲/۰۰

فروش کل: ۲۴۴/۴۶۷/۰۰۰

«کروکودیـل» هـم همان‌طـور کـه از تعـداد هفته‌هـای اکرانـش پیداسـت، همزمان با دو فیلم قبلی روی پرده رفته و محدودیت سـنی ۱۵+ را دارد. در هفته گذشـته حدود ۴۹ میلیـون تومـان و در کل فـروش ۲۴۴ میلیونـی را پشـت سـر گذاشته است.

شکستن همزمان بیست استخوان

جمشید محمودی

مدت اکران: ۳ هفته

تعداد سینماها: ۲۰

فروش هفتگی: ۹/۶۹۳/۰۰۰

فروش کل: ۲۲۴/۸۸۲/۰۰۰

«شکسـتن همزمـان بیسـت اسـتخوان» از هفتـه پایانـی شـهریور اکـران شـده و ۲۲۴ میلیـون تومـان فـروش داشـته اسـت. محمـودی در این فیلم هم رفته سراغ و معضلات مهاجران افغان.

کلوپ همسران

مهدی صباغ‌زاده

مدت اکران: ۳ هفته

تعداد سینماها: ۱۳۲

فروش هفتگی: ۴۳۹/۵۵۳/۰۰۰

فروش کل: ۱/۵۸۵/۱۷۶/۰۰۰

این فیلـم هـم از اواخر شـهریور نمایش خـود را آغاز کـرد، با محدودیت سـنی ۱۵+ و تاکنـون یـك میلیـارد و ۵۸۷ میلیـون تومـان فـروش داشـته اسـت. کلـوپ همسـران، پرفروش‌تریـن میـان آثـاری اسـت که سه هفته از اکرانشان می‌گذرد.

ماجرای نیمروز ۲: رد خون

محمدحسین مهدویان

مدت اکران: دو هفته

تعداد سینماها: ۱۸۰

فروش هفتگی: ۱/۰۱۸/۴۸۲/۰۰۰

فروش کل: ۲/۳۷۰/۶۸۴/۰۰۰

رد خون از سوم مهر به سینما آمده با محدودیت سـنی ۱۲+. طی دو هفتـه اکـران خـود هـم بیـش از دو میلیـارد و ۳۰۰ میلیـون تومـان فـروش داشـته، یعنی هـر هفته بیـش از یـك میلیـارد فـروش و ایـن رقـم اتفـاق خوبـی اسـت بـرای سـینمایی کـه اغلـب فیلم‌هایـش سـه هفتـه اول اکـران را کـه بایـد پرشـورتر باشـد، پشـت سرگذاشـته و جز یك مورد، سـایر فیلم‌ها در فـروش کلـی خـود هـم رقـم یـك میلیارد را پشـت سـر نگذاشته‌اند.

آبی به رنگ آسمان

امیر رفیعی

مدت اکران: دو هفته

تعداد سینماها: ۲۲

فروش هفتگی: ۱۳/۶۳۹/۰۰۰

فروش کل: ۲۶/۴۴۶/۰۰۰

مسـتندی اسـت محبـوب اسـتقلالی‌ها و دربردارنـده مـروری بـر تاریـخ باشـگاه اسـتقلال ایـران از زمـان تاسـیس تـا امـروزش اسـت، با شـروع اکرانـش از سـوم مهر تـا امـروز ۲۶ میلیـون تومـان فروش است.

پیلوت

ابراهیم ابراهیمیان

مدت اکران: دو هفته

تعداد سینماها: ۷۱

فروش هفتگی: ۱۶۵/۱۰۴/۰۰۰

فروش کل: ۲۹۶/۵۵۹/۰۰۰

«پیلـوت» هـم از سـوم مهـر بـه سـینما آمـده و بـا محدودیـت سـنی ۱۵+، تـا امـروز ۲۹۶ تومـان فروش داشته و در هفته گذشته هم رقمی کمتر از ۲۰ میلیون را پشت سر گذاشته است با این حساب نمی‌توان چندان به فروش آن امیدوار بود.

درخونگاه

سیاوش اسعدی

مدت اکران: یك هفته

تعداد سینماها: ۶۴

فروش هفتگی: ۳۴۶/۱۱۱۷/۰۰۰

فروش کل: ۳۴۶/۱۱۱۷/۰۰۰

فیلـم بـا محدودیـت سـنی ۱۲+ اکـران شـده و پـس از یـك هفتـه نمایـش ۳۴۶ میلیـون تومـان فروش داشـته اسـت. ایـن فیلم بـرای نخسـتین بـار در جشـنواره فیلـم فجـر بـه نمایـش در آمـد و بـا انتقاداتـی هـم از سـوی اهالـی رسانه روبه رو بود.

سال دوم دانشکده من

رسول صدرعاملی

مدت اکران: یك هفته

تعداد سینماها: ۹۴

فروش هفتگی: ۲۱۶/۹۲۶/۰۰۰

فروش کل: ۲۱۶/۹۲۵/۰۰۰

فیلـم از دهـم مهـر روی پـرده رفتـه و فـروش ۲۱۶ میلیونـی را پشـت سـر گذاشـته اسـت. البتـه بـرای قضـاوت دربـاره فـروش ایـن فیلم‌هـای یـك هفته‌ای کمی زود است و نمی‌توان انتظار داشت همه فیلم‌ها مثل رد خون در همان هفته اول فروش بالایی را پشت سر بگذارند.

فیلمی که آمارها را جابه‌جا کرد!

نگاهی بـه عدد و ارقـام موجود نشـان می‌دهد پنج فیلم سـه هفته اسـت در حـال اکراننـد. مـردی بـدون سـایه، شـاه‌کـش، کروکودیل و شکسـتن همزمـان بیسـت اسـتخوان و کلـوپ همسـران جمعـا سـه میلیـارد و ۷۸۴ میلیـون و ۹۲۶ هزار تومـان فروش داشـته‌اند. فیلم کلوپ همسـران فـروش میلیـاردی را رد کـرده و مـرد بدون سـایه هـم تا رقـم نزدیك به یك میلیارد پیش آمده است.

سـه فیلم هـم دو هفتـه از اکـران خـود را پشـت سـر گذاشـته‌اند. ماجرای نیمـروز ۲: رد خون، پیلـوت و آبی به رنگ آسـمان. جمعا دو میلیـارد و ۶۹۳ میلیـون و ۶۸۹ هـزار تومـان سـهم ایـن فیلم‌هـا از فـروش کل اکران‌هـای پاییزی تا امروز اسـت؛ سـهمی کـه البتـه دو میلیـارد و ۳۷۰ میلیـون و ۶۸۴ هزار تومان آن تنها برای رد خون اسـت. فیلمی که طی دو هفته اکران خود حال و هوای سـینما را عوض کـرده و می‌توان پیش بینی کرد به پیشـتازی خـود ادامه دهد و عنـوان پرفروش‌تریـن فیلم اکـران پاییزه سـینماها را از آن خود کند.

سـال دوم دانشـکده من و درخونگاه هم یـك هفته از اکران خود را پشـت سـر گذاشـته و تاکنـون رقـم ۵۶۳ میلیـون از فـروش را به خـود اختصاص داده‌انـد. هر چنـد از قدیـم گفته‌انـد جوجـه را آخـر پاییـز می‌شـمارند، اما همین اول پاییـزی می‌توان بـا دیدن ایـن ارقام تا حـد زیادی فهمیـد پاییز سینما چطور خواهد گذشت.

گفت‌وگو

به بهانه سالروز بزرگداشت حافظ با ابوالفضل جلیلی، کارگردان به گفت‌وگو نشسته‌ایم

«حافظ» من را ساخت

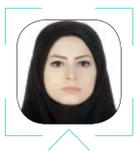

سانازقنبری

سینما

سـال‌هـاسـت از سـاخـت فـیـلـمـی بـا موضوع «حافظ» (شاعر پـرآوازه ایرانی) می‌گذرد، امـا ابـوالـفـضـل جلیلی، کارگردان آن هنوز بر این باور است که او حافظ را نـسـاخـتـه، بـلـکـه ایـن حافظ بوده که او را ساخته است. روز بزرگداشت حـافـظ بـهـانـه‌ای شـد تـا بـا جلیلی بـه گفت‌وگو بنشینیم؛ او که معتقد است خارجی‌ها بیشتر از ما قدر مفاخر فرهنگی و ادبی‌مان را می‌دانند.

جلیلی با عشق از حافظ صحبت می‌کند، انگار سال‌ها با او همنشین بـوده اسـت. او دربـاره سـاخت فیلم حـافظ توضیـح مـی‌دهـد: مـن از کودکی حافظ را می‌شناسم. وقتی بچه بـودم، پدرم یك عکس مینیاتوری از حافظ به دیوار اتاق زده بود و من از همان زمان با اشعارش مانوس هستم و دوسـت داشـتم در جای خـودم کاری برای او انجام دهم که در نهایت فیلم حافظ را به تهیه کنندگی کشور ژاپن ساختیم. او با گلایه ادامـه می‌دهد: کانون پـرورش فکری کودکان و نوجوانان و بنیاد سینمایی فارابی که سهم بسیار عمده‌ای در تولید بسیاری از فیلم‌های ارزشمند ایرانی دارند، بارها کلامی به من گفتند بیا، تو کجایی؟ و... اما وقتی می‌رفتم هیچ اتفاقی نمی‌افتاد. نـه تنها مـن، بلکه هـر کسـی را اگـر چند بـار ناامید کنی دیگر سراغت را نمی‌گیرد. متاسفانه در ایران بیشتر از این که به فرهنگ و هنر فکر کنند، به پول فکر می‌کنند. به همین دلیل نهادی در فیلم‌هایی که شاید در گیشه بازخورد چندانی نداشته باشد، سرمایه‌گذاری نمی‌کند. سـرمـایـه‌گـذاری روی فرهنگ و ادب و هـنـر شـعـاری بـیـش نیست و مـن اصـلا بلد نیستم مـردم را گول بزنم. در ایـن روزگـار مردم ایران به‌شدت آماده پذیرش لمپنیسم هستند و نمونه اش سـریـال سـتـایـش. بـازیـگـر قـدری مثل داریـوش ارجمـند وقـتی بـا ناصـر تقوایی کـار می‌کـنـد، خـروجی اش می‌شـود اثـری مثل ناخداخورشید و در اینجا می‌خواهد ادای دست سـوم ناصر ملك مطیعی را دربـیـاورد. چند روز پیش جایی بـودم که تلویزیون ایـن سـریـال را پخش می‌کرد و دیدم داریوش ارجمند دیالوگی می‌گفت با این مضمون کلی که «مشت زدم بر دهان فلانی و دندان‌هایش ریخت و....» خب، واقعا چرا؟ آن هم در جامعه ما که اکثر جوان‌ها آمادگی الگوپذیری دارند!

جلیلی خاطرنشان می‌کند: وقتی خود ما تلاشی بـرای شـنـاسـایـی شـخـصـیـت‌های فرهـنـگـی و ادبی‌مان به دنیا نمی‌کنیم، این‌طور می‌شود که سرمایه‌گذاران این نوع فیلم‌هایمان می‌شوند کشورهای خارجی. آنها هم می‌آیند و مفاخر ملی ما را از آن خود می‌کنند.

او دربـاره مضـمـون و چـگـونـگـی سـاخـت فیلم حـافظ یـادآوری می‌کند: تـمـام فیلم‌های مـن در کـشـور ژاپـن اکـران شـده و آنـها با سینمای من آشـنـا هستند. حتی پیش می‌آید خودشـان از من طرح جدید می‌خواهند و اصلا در جواب به همین سـوال شان بود که من چند سال پیش گفتم فیلمنامه حافظ را دارم. البته این فیلم صرفا مختص به زندگی حافظ (شاعر پـرآوازه ایـرانی) نیست. مـن در ایـن فیلم در دنیایی لا زمـان و مکان (یعنی هم می‌توانیم بگوییم الان هست و هم می‌توانیم بگوییم الان نیست)، حافظ را یك نوجوان کـردم که می‌خواهد حافظ کل قرآن شـود. چـون همـان‌طور کـه دکتـر عبدالحسین زرین‌کوب، ادیب و منتقد برجسته ایرانی می‌گوید هیچ مستند جدی راجع به حافظ وجود ندارد.

جلیلی حافظ را شاعری همیشه زنده می‌داند، او می‌گوید: سال‌هاست حافظ در این جـهـان نـیـسـت، امـا هـنـوز هـم اشعـارش را می‌خوانند و در آینده هم خواهند خواند. او و اشعارش همیشه زنده‌انـد، همان طور که عشق همیشه زنده است و بین انسان‌ها به یکدیگر یا انسان با خدا جاری است. پس از ساخت فیلم حافظ هر جا برای برنامه‌ای می‌رفتم، جمله‌ای بر زبانم جاری می‌شد که انگار خود او بر دهانم می‌گذاشت. می‌گفتم: من رفتم «حافظ» را بسازم، اما «حافظ» من را ساخت. حـافـظ دنـیـای معرفت است و من بعد از ساخت این فیلم به عـرفـان رسـیـدم. تعریف امـروز مـن از عرفان، عمق را دیدن است نه سطح.